

مریم رجوی: ایران را پس می گیریم

1398/04/22



مریم رجوی - سخنرانی در گردهمایی ایران آزاد در اشرف ۳

با تبریک به مناسبت میلاد آفتاب آرمیده در خراسان، هشتمین پیشوای اسلام پیشرو در برابر جباران، **امام رضا علیه السلام**.

هم میهنان عزیز،

میهمانان و شخصیت های محترم،

اشرف ۳ به همه شما خوش آمد می گوید.

۲۰ ماه پیش این جا قطعه زمینی بود که در آن هیچ چیز وجود نداشت. اما با

دست های **مجاهدین**، با زحمت و کوشش بسیار، اشرف ۳ برپا و شکوفا شده است. مقصد ما اما تهران است، تهران آزاد شده از اشغال آخوندها.

اگر چه آخوندها میهن ما را ویران کردند. اما ما ایران را پس می گیریم و این زیباترین وطن را دوباره می سازیم.

ما این سفر را از ۳۰ خرداد آغاز کردیم از آن نقطه که مسعود رجوی، یک مقاومت ریشه دار و پایدار را در برابر استبداد مذهبی برپا کرد. **شورای ملی مقاومت** را تأسیس کرد و ارتش

آزادیبخش ملی ایران را برپا نمود.

حالا اشرف ۳در امتداد سفری است که سرتاسر آن آغاز کردن، از نو ساختن و زنده کردن است. در این سفر از ده سال پایداری خونین در اشرف محاصره شده عبور کردیم و از چهار سال ایستادگی در قتلگاه لیبرتی.

حالا این فصل دیگری از راهپیمایی بزرگ به سوی آزادی است، به سوی ایران آزاد؛ به سوی مقصدی با شکوه و البته با رنج بسیار و با رود خروشان خون شهیدان.

مسعود رجوی در نخستین سالگرد مقاومت گفت: وقتی مقاومت ما پیروز شود، یکی از بزرگترین موانع انقلابات معاصر و بلکه مهم‌ترین عامل انحراف و اضمحلال آنان که همانا تجاوز به حریم مقدس آزادی تحت انواع و اقسام بهانه‌هاست، از میان برداشته می‌شود. احیای مقوله آزادی همانا احیای بشریت و انقلابات مغلوب است. برای این که یک خلق، آزادی خود را قدر بشناسد، نهایتاً بایستی خود، خود را آزاد کند... هر کس تنها خودش می‌تواند خویشتن را از بند جبر و ستم آزاد کند و ما دقیقاً به همین دلیل مسئول به پیش بردن خط قیام عمومی برای آزادی خلق و میهنمان هستیم.

حکومت آخوندها نه راه پیش دارد و نه راه پس!

۴۰سال حکومت آخوندها برای مردم ایران مترادف قتل عام همه‌جانبه است. از چند صد اعدام شبانه در زندان اوین و قتل عام زندانیان سیاسی در دهه اول این رژیم، تا قتل عام تولید و اقتصاد، محیط زیست، فرهنگ و هنر و تمدن ایران. فاشیسم دینی حالا به انتهای راه رسیده و در بحران سرنگونی دست و پا می‌زند؛ اقتصاد فروپاشیده، تعطیلی بیش از ۷۰درصد ظرفیت صنایع، نظام بانکی ورشکسته، فرار ماهیانه حدود ۳میلیارد دلار سرمایه و سقوط مستمر ارزش پول که مهارشدنی نیست. حکومت آخوندها نه راه پیش دارد و نه راه پس! نه ظرفیت مذاکره و دست برداشتن از تروریسم و دخالت‌های منطقه‌یی دارد، و نه میدان حرکتی به بزرگی مماشات. خامنه‌ای می‌گوید مذاکره با آمریکا سم است و به‌خصوص مذاکره با دولت کنونی سم مضاعف است. راستی چرا؟

زیرا به گفته خود او تغییر رفتار در واقع همان تغییر رژیم است و «هر قدم عقب‌نشینی، زنجیره‌یی تمام‌نشدنی از جام‌زهرهای بعدی را به دنبال خواهد داشت».

دیکتاتوری دینی به چه مسیری می‌رود؟

به لحاظ داخلی، انقباض و سرکوب و شیطان‌سازی و تروریسم علیه این مقاومت به عنوان خطر و دشمن اصلی، مقاومتی که خواستار تغییر رژیم و جایگزین کردن حاکمیت ولایت فقیه با حاکمیت مردم و رأی مردم است. مقاومتی که ۴۰ سال است در برابر این رژیم می‌جنگد و مقاومتی که با کشتن از بین نمی‌رود، بلکه به قول جانشین معزول خمینی، ترویج می‌شود.

به لحاظ بین‌المللی، آخوندها روی بی‌عملی و تحمل جامعه بین‌المللی حساب باز کرده‌اند و روی این که عملیات تروریستی و جنگ‌افروزی در کشورهای منطقه، دست کم تا انتخابات آمریکا چندان قیمتی برای آنها نخواهد داشت.

می‌گویند: ۱۶ ماه دیگر صبر می‌کنیم، شاید آمریکا رئیس‌جمهور دیگری داشته باشد و بتوان با او دوباره به همان «آبر امتیازات» در توافق اتمی دست یافت! در همین جا یادآوری می‌کنم که مقاومت ایران، قبل و بعد از معامله اتمی و در جریان مذاکرات، از همان روز سوم آذر ۹۲ دائماً هشدار می‌داد که ۶ قطعنامه شورای امنیت نباید دور زده شود.

به‌ویژه، به توقف کامل غنی‌سازی و قبول پروتکل الحاقی و دسترسی آزادانه بازرسان به مراکز پاسداران و تأسیسات مشکوک رژیم فراخوان می‌دادیم.

قبل از امضای توافق اتمی، در اردیبهشت ۹۴ من در جلسه‌یی در سنای فرانسه اعلام کردم: «تجربه مقاومت نشان داده است که آخوندها تنها زبان قاطعیت و قدرت را می‌فهمند.»

و تأکید کردم «زمان آن است که قدرتهای بزرگ، دست از مماشات و امتیاز دادن به استبداد خونریز دینی و بانکدار مرکزی تروریسم و رکوردار جهانی اعدام بردارند و حق مردم ایران برای مقاومت و آزادی را به رسمیت بشناسند.»

در روز توافق در ۲۳ تیر ۹۴ هم حرف ما این بود که «توافقی که حقوق بشر مردم ایران را نادیده بگیرد و بر آن تأکید و تصریح نکند، تنها مشوق سرکوب و اعدام‌های بی‌وقفه از جانب این رژیم، و لگدمال کردن حقوق مردم ایران و زیر پا گذاشتن اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد است... زیرا مردم ایران قربانیان اصلی برنامه شوم اتمی بوده‌اند.

نگاهی به تحولات ۲ ماه گذشته

حالا نگاهی بیاندازیم به آنچه در ۲ ماه گذشته واقع شده است:

در هشتم خرداد خامنه‌ای با اشاره تلویحی به عملیات تروریستی در فجیره و عربستان و عراق گفت: «اگر از اهرم‌ها و ابزارهای فشار به درستی استفاده شود، فشار آمریکایی‌ها یا کم و یا متوقف خواهد شد، اما اگر فریب "دعوت به مذاکره" با آمریکایی‌ها خورده شود و از اهرم‌های فشار استفاده نشود.. باخت (ما) قطعی است.»

او در مورد افزایش ذخیره اورانیوم و غنی‌سازی بالاتر از حد مجاز، تهدید کرد که «در این حد متوقف نخواهیم ماند و در برهه بعدی، اگر لازم باشد، از اهرم‌های فشار دیگری استفاده خواهیم کرد.»

حمله به کشتی نفتکش ژاپنی آن هم درست در زمانی که نخست‌وزیر ژاپن برای میانجیگری در تهران بود و حمله به هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی، از همان اهرم‌های مورد نظر خامنه‌ای است. روحانی هم با چاپلوسی گفت که دست پاسداران مربوطه را می‌بوسد. در همین روزها رژیم افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم به چهار و نیم درصد را اعلام کرد و خط و نشان کشید که گام‌های بعدی را هم برمی‌دارد.

هفته پیش هم روحانی شانتاژ می‌کرد و با مسخره و تحقیر به کشورهای اروپایی گفت: «ما رأکتور اراک را برمی‌گردانیم به شرایط سابق. یعنی به شرایطی که... می‌گفتید خطرناک است و می‌تواند پلوتونیوم تولید بکند.»

راستی با این تهدیدها، آن ادعاهای مسخره در مورد این که فاشیسم دینی سلاح اتمی را حرام می‌داند و خامنه‌ای در این مورد فتوا داده است، چه شد و به کجا رفت؟ آیا آن ادعاها، به‌سخره گرفتن رسانه‌ها و افکار عمومی نبود؟ و حالا بازی موش و گربه هم چنان ادامه دارد...

شقه و تزلزل از علائم مرحله پایانی

روشن است که این رژیم می‌خواهد با ایجاد تنش، جامعه بین‌المللی را پس بزند. می‌خواهد با گرد و خاک و آشوب، بحران سرنگونی را پنهان کند. می‌خواهد دوباره سیاست استمالت را جایگزین قاطعیت کند. و می‌خواهد ترس و وحشت بسیجی‌ها و پاسدارانش را مهار و تعادل درونی رژیم را حفظ کند.

یک مشاور سابق روحانی گفت، در مسأله سیاست خارجی، در داخل رژیم دو خط «تعارض» و «تعامل» در مقابل هم شکل گرفته است. خامنه‌ای در اول خرداد در راستای یک پایه کردن رژیم دستور داد «زمینه را برای روی کار آمدن دولت جوان و حزب‌اللهی فراهم کنید.»»
اما حقیقت این است که شقه و تزلزل از علائم مرحله پایانی است و رژیم آخوندی از سرنوشت محتوم‌اش خلاصی نخواهد داشت.

غسل تعمید پدرخوانده تروریسم

در چارچوب سیاست مماشات با فاشیسم دینی در ۳ دهه گذشته، آن‌هایی که در طرف رژیم بودند، بر جنایات آن در داخل و خارج ایران چشم فرو بستند. بانکدار مرکزی و بزرگترین حامی و پدرخوانده تروریسم بین‌المللی را غسل تعمید دادند.
به جای رژیم، آنتی‌تز آن یعنی مقاومت ایران را با انواع پرونده‌سازی‌ها هدف قرار دادند. به جای دستگاه خامنه‌ای، **مجاهدین** را و به جای سپاه پاسداران، ارتش آزادیبخش ملی ایران را در لیست گذاشتند.

البته ما با سرفرازی از بیست و چند دادگاه عبور کردیم و حتی یک برگ سند علیه مجاهدین پیدا نشد. این همان اسطوره قدیمی در تاریخ ایران را تداعی می‌کند که سیاوش از آتشی که با اتهامات برایش برافروخته بودند به سلامت عبور کرد.

ولایت فقیه سرچشمه جنگ

حالا پرده‌ها یکی بعد از دیگری کنار می‌رود. همه به روشنی می‌بینند که منشأ جنگ و جنگ‌افروزی، ولایت فقیه است هم‌چنان که مقاومت ایران از اول می‌گفت نبرد با این رژیم، خشکاندن سرچشمه جنگ و آشوب و عین صلح‌خواهی است.
روزگاری مدافعان رژیم می‌گفتند اگر آخوندها سرنگون شوند ایران دچار جنگ و آشوب و تجزیه می‌شود. حالا همه می‌بینند که تا این رژیم سرنگون نشود، جنگ و بحران در منطقه ادامه دارد و تشدید می‌شود.

بنابراین هرکس که برای ایران، آزادی می‌خواهد، هرکس که می‌خواهد ایران را از ویرانی و

نابسامانی نجات دهد. و هر کس که برای منطقه و جهان صلح و ثبات می خواهد باید برای سرنگونی رژیم آخوندی به پاخیزد.

فریب بزرگ مماشاتگران

مماشاتگران می خواهند قاطعیت در مقابل این رژیم را معادل جنگ طلبی جلوه دهند، اما این یک فریب بزرگ است. هر گونه فرصت دادن به آخوندها فقط منجر به جری تر شدن آنها می شود. و راه آنها را باید بست. آلبانی یک نمونه در این رابطه است. دولت آلبانی در آذر ماه گذشته پس از توطئه های تروریستی رژیم ایران و سفارت آن در اینجا، سفیر آخوندها و رئیس ایستگاه ترور و جاسوسی آنها را اخراج کرد. متعاقباً رئیس جمهور آمریکا از تلاش های دولت آلبانی برای ایستادن در برابر رژیم و مقابله با فعالیت های بی ثبات کننده آن برای ساکت کردن مخالفان رژیم قدردانی کرد تا به حکومت ایران نشان داده شود که فعالیت های تروریستی اش در اروپا و سراسر جهان عواقب جدی دارد.

اصل موضوع در همین نکته ضروری نهفته است. این که رژیم آخوندی بیند برخلاف گذشته هر عملش عواقب جدی خودش را دارد. بله، رژیمی که هر روز جنایات و جنگ افروزی هایش بیشتر افشا می شود. باید منتظر عواقب بسا بیشتری باشد.

رسالت تاریخی مقاومت، شکستن تابوی ولایت فقیه

مقاومت ایران از ۴ دهه پیش با درک عمیق از ماهیت رژیم ولایت فقیه، بر اصلاح ناپذیری و ضرورت سرنگونی و تغییر آن پافشاری کرده است. بر خطرات این رژیم برای صلح و آرامش در منطقه و جهان تأکید کرده و خواستار تحریم همه جانبه فاشیسم دینی شده است. به راستی اگر افشای ماهیت ارتجاعی خمینی و آخوندها نبود، اگر رنج و رزم و خون مجاهدین در نبرد با پاسداران و گشتاپوی آخوندها نبود، اگر ریختن زهر آتش بس به حلقوم خمینی نبود، و اگر ایستادگی مجاهدین بر سر مواضعشان به بهای قتل عام نبود، اگر پایداری در اشرف و لیبرتی نبود،

اگر ۶۵ بار محکومیت رژیم آخوندها در ملل متحد به خاطر نقض حقوق بشر نبود،
اگر نبود کتاب‌ها و اسناد روشنگر این مقاومت،
اگر افشای تروریسم پاسداران به خصوص افشای اسامی ۳۲ هزار مزدبگیر نیروی قدس در عراق
نبود،
اگر نبود افشای پروژه‌ها و تأسیسات پنهان اتمی رژیم در نطنز و اراک،
و اگر مقاومت ایران با بیش از ۱۰۰ رشته افشاگری دقیق و مستند در ربع قرن، جهان را نسبت به
بمب‌سازی پنهانی آخوندها بیدار و هوشیار نکرده بود،
امروز وضعیت به کلی متفاوت بود. و آخوندهای بمب به دست، امپراطوری و خلافت مورد نظر
خود را برپا و تثبیت کرده بودند. البته قیمت را به تمام و کمال مردم و مقاومت ایران پرداختند.
والا هرگز موجبات لیست‌گذاری آنها فراهم نمی‌شد.
آری، مقاومت ایران با رهبری **مسعود رجوی**، رسالت تاریخی خود را انجام داد، تابوی
ولایت فقیه و سپاه جهل و جنایتش را در هم شکست و برای خلافت شیطانی آخوندها آینده‌یی بر
جا نگذاشت.

راه حل قطعی سرنگونی رژیم آخوندی

راه حل قطعی، نهایی و تردیدناپذیر، سرنگونی تمامیت رژیم ولایت فقیه به دست مردم و مقاومت
ایران است.

کسانی که در ادامه این رژیم منفعت دارند، دیروز وعده‌های موهوم اصلاحات و میانه‌روی
می‌دادند، و امروز بیش از پیش، بر طبل شیطان‌سازی و اخبار مجعول علیه مجاهدین و مقاومت
می‌کوبند و می‌خواهند برای این رژیم نقش نجات‌گریق ایفا کنند. ضمن یک سال گذشته فقط در
توئیتر ۱۱ هزار و ۵۰۰ حساب این رژیم که سراپا جعل و دروغ بود، بسته شده است.
می‌خواهند بگویند رژیم آلترناتیوی ندارد و باید به آن تن داد. اما آیا می‌توان چرخ حرکت تاریخ
را متوقف کرد یا به عقب برگرداند؟ هرگز!

رژیم و آن‌هایی که در جبهه رژیم، رو در روی مردم ایران قرار گرفته‌اند، می‌گویند و تکرار
می‌کنند که این مقاومت در داخل ایران پایگاهی ندارد و ما می‌گوییم و تکرار می‌کنیم که اگر
رژیم راست می‌گوید یک روز و فقط یک روز، بگذارد که ما در سراسر **ایران** تجمع و تظاهرات

مسالمت آمیز داشته باشیم. البته این را نگذاشته و باز هم نخواهد گذاشت. چرا؟ چون خوب می‌داند که به سرعت برق و باد جارو می‌شود.

مقاومت، تنها محک در دوران اختناق

همه می‌دانند که در دوره اختناق، تا وقتی که امکان تجمع و تظاهرات و نظرسنجی و انتخابات آزاد وجود ندارد، تنها ملاک و معیار واقعی، مقاومت است. و چیزی غیر از آن، موضوعیت و اصالت ندارد. با معیار مقاومت است که می‌توان پایگاه و ابعاد این جنبش را سنجید. با عزم مجاهدان آزادی، با رزم کانون‌های شورشی و با تلاش و تظاهرات ایرانیان و اشرف‌نشانها که خروش و فریادشان این است که ایران را پس می‌گیریم.

کانون‌های شورشی، بن‌بست شکنی بزرگ

برپایی و تکثیر کانون‌های شورشی و شوراهای مقاومت یک بن‌بست شکنی بزرگ است که صحت و حقانیت خود را در قیام دیماه ۹۶ و تحولات بعدی نشان داد. این مقاومت توانسته به‌رغم سلطه اختناق شبکه خود را در داخل سازمان و گسترش بدهد. اشرف این چنین در میان جامعه و مردم ایران تکثیر می‌شود.

به‌لحاظ استراتژیک کانون‌های شورشی پاسخ رژیم است که استحاله‌ناپذیر است و به خودی خود سرنگون نمی‌شود. و با رزم مجاهدان و کانون‌های شورشی و مردم ایران می‌توان و باید سرنگونش کرد.

رژیم برای مقابله با کانون‌های شورشی گشتهای جدیدی درست کرده که به آن «گشت محله محور» و همچنین «رضویون» می‌گوید. حتی گشتهای موسوم به «امر به معروف و نهی از منکر» در بسیاری نقاط تغییر مأموریت داده و برای دستگیری اعضای کانون‌ها فعالیت می‌کنند.

اوایل امسال آخوند علوی وزیر اطلاعات رژیم از دستگیری ۱۱۶ تیم مجاهدین خبر داد. سپس مدیرکل اطلاعات آذربایجان شرقی دستگیری و برخورد با ۱۱۰ تن از مرتبطان با مجاهدین را فقط در یک استان اعلام کرد. و بعد از آن برای آنها احکام اعدام و محکومیت‌های سنگین صادر کرد. اما دشمن نه قادر به درهم شکستن روحیه نیروهای مقاومت در زندان است و نه قادر به مهار جنبش مقاومت و کانون‌های شورشی در شهرهاست.

هر جوان مشتاق آزادی و عدالت یک شورشی بالقوه یا بالفعل است. هم‌چنان که یکی از کانون‌های شورشی از تبریز نوشت: ما تا آخرش هستیم و همه فراز و نشیب‌ها را پشت سر می‌گذاریم. پیروزی از آن ماست و صبح پیداست.

یک صد و ده سال پیش، پس از قهرمانی و فداکاری ستارخان و مجاهدانش در تبریز، یعنی بزرگ‌ترین شهر شورشی آن زمان، مجاهدین از رشت و اصفهان پیشروی کردند و تهران فتح شد. باشد که این بار مردم ایران با کانون‌های شورشی و ارتش بزرگ آزادی، تهران را فتح کنند و تمام ایران را از اشغال آخوندها آزاد سازند.

امروز بر سر مسأله ایران دو جبهه در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. یکی رژیم است که به بن‌بست رسیده و دیگری مردم و مقاومتی که برای آزادی مبارزه می‌کنند. بله آلترناتیوی وجود دارد که می‌خواهد از مسیر کانون‌های شورشی، شهرهای شورشی و ارتش آزادی به مقصد آزادی برسد.

این آلترناتیو قادر است یک جمهوری دموکراتیک و کثرت‌گرا مبتنی بر **جدایی دین و**

دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیتها و یک **ایران غیراتمی** برقرار کند.

شورای ملی مقاومت از طرح‌ها و برنامه‌های مشخص برخوردار است، به‌یمن سازمان یافتگی و انسجام‌اش، قادر به جایگزینی این رژیم و قادر به انتقال آرام قدرت به نمایندگان منتخب مردم ایران است.

آری، دور نیست روزی که سرزمین شیرو خورشید میزبان آزادی باشد.

ما برآنیم که طرحی نو در اندازیم،

طرحی عاری از استبداد و ارتجاع و تزویر و تبعیض

و طرحی برای یک ایران آزاد و آباد.

پس همه با مارش پیروزی هم‌آواز می‌شویم.

ایران را پس می‌گیریم و ایرانی نو می‌سازیم.

آری ایران را پس می‌گیریم.